

تأثیر ساختار نظام اقتصادی اسلام بر معادلات و تحلیلهای اقتصاد کلان

حجة الاسلام سیدحسین میرمعزی^(۱)

چکیده

در این مقاله کوتاه، هدف این است که نشان دهیم چگونه تغییر ساختار نظام اقتصادی، بر معادلات تعریفی و رفتاری و تحلیلهای اقتصاد کلان اثر می‌گذارد. در این خصوص به دو اختلاف ساختاری بین نظام اقتصادی اسلام و سرمایه‌داری اشاره کرده‌ایم:

- تفاوت در جایگاه، اهداف، وظایف و ترکیب درآمدها و هزینه‌های دولت،

- تفاوت در بازارهای مالی.

برای آنکه بتوانیم از وقایع اقتصادی ایران و تحلیلهای درست پیش‌بینیهای نزدیک به واقع ارائه دهیم، تنها آمار و اطلاعات کافی نیست، بلکه باید ساختار اقتصاد ایران را به خوبی درک کنیم، تفاوتهايش را با ساختار اقتصاد سرمایه‌داری تشخیص دهیم، معادلات تعریفی و رفتاری کلان را بازنویسی کنیم، متغیرهای مستقل را در بازارها مشخص سازیم و نحوه تأثیر این متغیرها را بر مصرف، سرمایه‌گذاری و رفتارهای دیگر اقتصادی در ضمن الگوهای تبیین کنیم.

۱. عضو هیأت علمی و مدیر گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مقدمه

نظام در تئوری عمومی نظامها به مجموعه‌ای از اجزای به هم وابسته گفته می‌شود که در راه نیل به هدفهای معین با هم هماهنگی دارند.^(۱) نظام اقتصادی نیز دارای اجزای خاص خود است. در یک تقسیم‌بندی کلی، اجزای نظام اقتصادی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:^(۲)

۱- اموال و ثروتها،

۲- شرکت‌کنندگان (دولت و مردم)،

۳- الگوهای رفتاری.

الگوهای رفتاری که میان شرکت‌کنندگان با یکدیگر و اموال ارتباط ایجاد می‌کنند، بر دو نوعند:

الف - برخی الگوها بیانگر چگونگی ارتباط افراد و اموالند، مانند الگوی مصرف، و سرمایه‌گذاری، و پس‌انداز و تولید.

ب - برخی الگوها چگونگی ارتباط شرکت‌کنندگان در نظام را با یکدیگر بیان می‌کنند.

معمولاً شرکت‌کنندگان در نظام اقتصادی را ابتدا به دولت و مردم تقسیم می‌کنند. سپس مردم را نیز دو دسته می‌کنند: خانوارها و بنگاهها و آنگاه چگونگی ارتباط این گروهها با یکدیگر و با دولت را به وسیله مدل چرخه اقتصادی نشان می‌دهند. مقصود ما در این مقاله از ساختار نظام اقتصادی، همین ارتباطات موجود بین

۱. چارلزوست چرچمن، نظریه سیستم‌ها، ترجمه رشید اصلانی، چاپ دوم، نشر مرکز مدیریت دولتی، ۱۳۶۹، ص ۲۶.

۲. با الهام از کتاب

"Economic systems analysis and comparison".

شرکت‌کنندگان است. مدل چرخه اقتصادی (جریان گردش اقتصاد) که چنین ارتباطاتی را در یک نگاه و به صورت مجموعی نشان می‌دهد، زیربنای نظری معادلات تعریف در اقتصاد کلان است.

معادلات تعریفی بر خلاف معادلات کرداری، یک رفتار اقتصادی را تبیین نمی‌کنند، بلکه تعریفهای معین مدل را نشان می‌دهند و به صورت اتحادهای ریاضی بیان می‌شوند.^(۱)

برای نمونه یکی از اتحادهای مهم که زیربنای تحلیلهای اقتصاد کلان است و نقش اصلی را در توضیح چگونگی محاسبه تولید ملی ایفا می‌کند، اتحاد GNP به صورت زیر است:^(۲)

$$C + I + G + (X - M) = GNP = C + S + T + RF$$

بر این اساس، وقتی ساختار نظام اقتصادی تغییر کند و روابط به گونه‌ای دیگر تعریف شوند باید تأثیر این تغییرات بر معادلات تعریفی و اتحادهای مطرح در اقتصاد کلان مورد بررسی قرار گیرد و در صورت لزوم معادلات تعریفی متناسب با ساختار جدید، احداث شود و زیربنای تحلیلهای کلان اقتصادی واقع گردد.

همچنین تغییر نظام اقتصادی بر معادلات کرداری، مؤثر است. این معادلات کردار افراد یا گروهها را در اقتصاد شرح می‌دهند و به صورت توابع ریاضی بیان می‌گردند، مانند تابع مصرف و تابع سرمایه‌گذاری.^(۳) وقتی ساختار نظام اقتصادی تغییر کند، رفتار افراد و گروهها نیز تغییر خواهد کرد. برای مثال اگر در یک نظام اقتصادی بازار مالی ربوی وجود نداشته باشد و متغیر اصلی این بازار، یعنی نرخ بهره از اقتصاد حذف شود، تابع رفتار پس‌اندازکننده و سرمایه‌گذار نیز تغییر خواهد کرد. بنابراین تأثیر تغییر ساختار نظام اقتصادی در معادلات تعریفی نیز باید ملاحظه شود.

دو تفاوت عمده بین ساختار نظام اقتصادی اسلام و سرمایه‌داری وجود دارد:

۱. فریدون تفضلی، اقتصاد کلان، چاپ دهم، نشرنی، ۱۳۷۶، صص ۱۷-۱۹.

Vaclav Holesovsky, McGraw - Hill, Inc, 1977, p 14-36.

۲. اچ. برانسون، اقتصاد کلان، ترجمه شاکری، چاپ دوم، نشرنی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۶.

۳. اقتصاد کلان، دکتر تفضلی، ص ۱۸.

- اولین تفاوت در جایگاه دولت در اقتصاد و ترکیب درآمدها و هزینه‌های آن است. چون بنا نداریم تفاوت مزبور را در این مقاله مورد بررسی قرار دهیم، فقط اشاره می‌کنیم که در اقتصاد سرمایه‌داری درآمدهای دولت را ارقامی مانند مالیات، خالص بهره دریافتی و سود سهام واستقراض تشکیل می‌دهد که صرف خرید کالا و خدمات از مردم می‌شود^(۱) ولی در اقتصاد اسلامی درآمد انقال، رقم عمده‌ای از درآمدهای دولت است که ماهیتاً با ارقام فوق فرق دارد به علاوه در طرف هزینه نیز دولت فقط مصرف‌کننده کالا و خدمات بخش خصوصی نیست، بلکه به تولید و سرمایه‌گذاری نیز می‌پردازد.

- تفاوت دوم آن است که در نظام سرمایه‌داری تجهیز و تخصیص منابع پولی از طریق سیستم قرض با بهره صورت می‌گیرد که امروزه در قالب بازارهای مالی که در آنها اوراق قرضه و سهام خرید و فروش می‌شود سازماندهی شده است، ولی در نظام اقتصادی اسلام این امر از طریق سیستم مشارکت تحقق می‌پذیرد که می‌تواند در قالب بازارهایی که در آنها اوراق مشارکت و سهام خرید و فروش می‌شود، سازماندهی گردد. ما این‌گونه بازارها را «بازارهای مالی مشارکتی» می‌نامیم.

بررسی تأثیرات این دو تفاوت بر معادلات تعریفی و کرداری اقتصاد کلان و در نتیجه بر تحلیل‌های کلان اقتصادی، تحقیقی مفصل و دقیق را می‌طلبد و مسلماً حاصل چنین تحقیقی با آنچه امروزه به اسم اقتصاد کلان در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود بسیار متفاوت خواهد بود. این کتابها بر اساس ساختار نظام اقتصاد سرمایه‌داری تألیف شده‌اند، ولی متأسفانه در بسیاری موارد مبنای تحلیل‌های کلان اقتصادی در کشورهای در حال توسعه هستند.

دکتر لارنس تیلور، کارشناس بانک جهانی و پرفسور دانشگاه M.I.T با تجارب سیزده ساله خود در کشورهای در حال توسعه، در کتاب مدل‌های کلان برای کشورهای در حال توسعه ادعا می‌کند که اغلب تحلیل‌های ارائه شده در این کتاب مغایر با قوانین متعارفی است که از زمان کینز (حدود پنجاه سال پیش) در کشورهای توسعه یافته ایجاد و به مرور زمان به تکامل رسیده است و یکی از دلایل خود را بر این مغایرت چنین بیان می‌کند:

«در حقیقت بسیاری از مدل‌های کشورهای غنی بدون هرگونه تعدیلی در کشورهای جهان سوم به کارگرفته شده، در حالی که فروض ضمنی نهادی و سیاسی این مدلها متناسب با شرایط کشورهای در حال توسعه نیستند. همچنین، غالب اقتصاددانان دست‌اندرکار در کشورهای فقیر دانشجویانی را می‌شناسند که از دانشگاه‌های اروپایی و آمریکایی به کشورهای خود باز می‌گردند و سعی می‌کنند تا عقاید مورد نظر اساتید خویش را در آنجا به کار بندند...»^(۱)

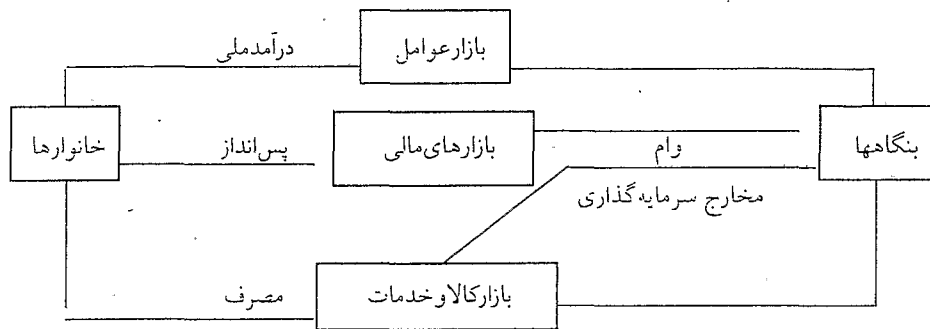
کاری از این قبیل، برای کشورهای اسلامی از ضرورت بیشتری برخوردار است. به ویژه در ایران اسلامی که دولت و ملت آن مصممند احکام نورانی اسلام را به اجرا درآورند و نظامی به معنای واقعی کلمه اسلامی به پا کنند، چنین امری با توجه به دو تفاوت مهم پیش‌گفته ضرورتی دو چندان می‌یابد.

ما در این مقاله مختصر، برای آنکه قدمی هر چند کوتاه در این راه برداریم، فقط تأثیر تفاوت دوم بر اتحاد GNP و تابع پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را مورد بررسی قرار می‌دهیم. این بررسی به روش اقتصاد کلان و با فروضی که درک بحث را سهل می‌کند، صورت می‌گیرد.

ساختار نظام سرمایه‌داری مالی و مدل چرخه اقتصادی

چون فقط تفاوت دوم را می‌خواهیم مورد بررسی قرار دهیم برای سهولت تحلیل ابتدا فرض می‌کنیم، اقتصاد بسته است و دولت وجود ندارد. در این صورت، ساختار نظام سرمایه‌داری را می‌توان با استفاده از مدل چرخه درآمدی به صورت زیر نشان داد:^(۲)

۱. لارنس تیلور، مدل‌های کلان برای کشورهای در حال توسعه. ترجمه اسرافیل کسرانی، چاپ اول. مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، صص ۲ و ۳.
۲. محمود روزبهان، تئوری اقتصاد کلان، ج ۱، چاپ چهاردهم، انتشارات تابان، ۱۳۷۷، صص ۱۴-۲۰.



نمودار ۱- چرخه درآمدی در نظام سرمایه داری

فلشها در این شکل، جریان گردش پولی را نشان می دهند. خانوارها شامل همه افراد جامعه اند و بنگاهها، مؤسساتی هستند که کلیه تولیدات جامعه را انجام می دهند. بازار کالاها و خدمات، کالاها و خدمات، کالاهای مصرفی و سرمایه ای را شامل می شود و در بازار عوامل، نیروی کار و سرمایه و سایر عوامل تولید اجاره داده می شود. در بازارهای مالی، داراییهای مالی (اوراق قرضه و سهام) به وسیله واسطه های مالی - از جمله بانکها - خرید و فروش می شوند. برای سهولت تحلیل و نشان دادن فرق بین دو نظام فرض می کنیم که در بازار مالی فقط اوراق قرضه عرضه می شود و اوراق سهام وجود ندارد.

خانوارها که همه عوامل تولید، از قبیل نیروی کار، مدیریت و سرمایه فیزیکی را در اختیار دارند، این عوامل را در بازار مربوط اجاره می دهند و ارقامی مانند دستمزد، سود و اجرت دریافت می کنند. بنگاهها این عوامل را اجاره کرده، به امر تولید می پردازند. پولی را که خانوارها می گیرند، همان درآمد ملی است. خانوارها بخشی از این درآمد را مصرف و بخشی را پس انداز می کنند. پس انداز از طریق خرید اوراق مالی صورت می گیرد و پس اندازکنندگان از بهره اوراق قرضه منتفع می شوند. فروشندگان این اوراق، بنگاهها هستند.

بنگاهها از طریق فروش اوراق قرضه، پول مورد نیاز خود را برای سرمایه گذاری به

دست می آورند و آن را برای پرداخت وجه الاجاره در بازار عوامل یا به منظور خرید کالای سرمایه‌ای در بازار کالا و خدمات مصرف می‌کنند.

عکس جریان چرخه درآمدی که در نمودار شماره ۱ نشان داده شد، جریان کالاها و خدمات و عوامل است: خانوارها عوامل را عرضه می‌کنند و بنگاهها با ترکیب این عوامل کالاها و خدمات - اعم از مصرفی و سرمایه‌ای - را تولید می‌کنند. بنابراین آنچه به بازار کالا و خدمات عرضه می‌شود همان تولید ناخالص ملی است که بخشی از آن مصرف و بخشی دیگر سرمایه‌گذاری می‌شود.

با توضیحات فوق به خوبی نمایان می‌شود که در اقتصاد، همواره تولید ملی با درآمد ملی برابر است و از این طریق، اتحاد زیر بدست می‌آید: (۱)

$$C + I = GNP = C + S \quad \text{اتحاد (۱)}$$

در این اتحاد، C مصرف کل، I سرمایه‌گذاری کل و S پس‌انداز کل است. با حذف C از دو طرف اتحاد ۱ به اتحاد پس‌انداز - سرمایه‌گذاری دست می‌یابیم:

$$I = S$$

نکته مهمی که در بیان تفاوت بین ساختار دو نظام نقش بسزایی دارد این است که در نظام سرمایه‌داری، ماهیت حقوقی بازارهای مالی به گونه‌ای است که هیچ ملازمه‌ای بین تصمیمات خریداران اوراق قرضه (پس‌انداز کنندگان) و فروشندگان این اوراق (بنگاهها) به وجود نمی‌آید.

پس‌انداز کنندگان از طریق واسطه‌های مالی، با خرید اوراق قرضه، پول خود را قرض می‌دهند و بهره ثابت دریافت می‌کنند. و هیچگاه به این موضوع نمی‌اندیشند که پول آنان به چه کسی و چگونه قرض داده می‌شود و در کجا و با چه بازدهی سرمایه‌گذاری می‌گردد. از آن سو، سرمایه‌گذاران شخصیت دیگری هستند که با فروش اوراق قرضه در حقیقت وام با بهره می‌گیرند. ولی فروش اوراق قرضه قانوناً آنان را ملزم نمی‌کند که پول حاصل از آن را سرمایه‌گذاری کنند.

۱. در این تحلیل هزینه استهلاک سرمایه صفر فرض شده. لذا با فرض عدم دولت، تولید ناخالص ملی با درآمد ملی برابر می‌شود.

چون چنین است، در نظام سرمایه‌داری این امکان که پس‌اندازها در غیر مسیر سرمایه‌گذاری وارد شوند وجود دارد. حتی در مدل ساده مورد بحث ما در این بخش که فروشندگان اوراق قرضه (قرض‌گیرندگان) فقط بنگاهها هستند، این امکان وجود دارد که پول به دست آمده از این طریق برای تأمین مخارج سرمایه‌گذاری صرف نگردد. برای توضیح این مطلب با توجه به گردش پول در نمودار ۱ سه احتمال را بررسی می‌کنیم.

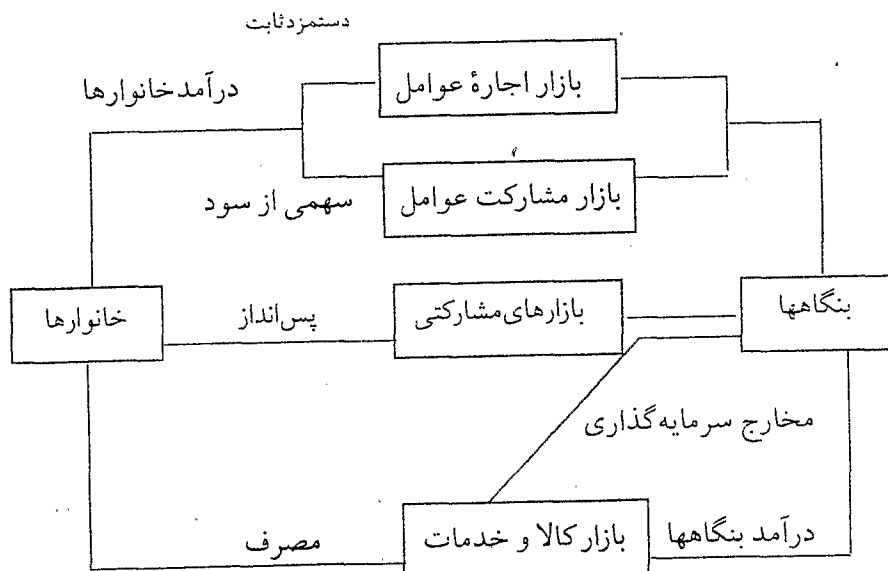
- ۱- وام‌گیرندگان بنگاهها نباشند، بلکه خانوارها از طریق بازارهای مالی وام دریافت کنند و آن را به مصرف برسانند. در این صورت اتحاد ۱ نقض نمی‌شود، گرچه سهم مصرف نسبت به سرمایه‌گذاری و پس‌انداز در دو طرف اتحاد افزایش می‌یابد.
- ۲- وام‌گیرندگان بنگاهها باشند، ولی آن را صرف مخارج سرمایه‌گذاری نکنند بلکه بدهیهای معوقه دوره‌های قبل را بپردازند یا آن را در پرداخت دستمزد و اجاره نیروی کار و سرمایه فیزیکی صرف کنند که در این صورت نیز اتحاد ۱ نقض نمی‌شود، گرچه در این فرض نیز این پول در قسمت بالای نمودار ۲ جریان می‌یابد و تبدیل به درآمد خانوارها می‌شود و از این طریق نیز سهم مصرف نسبت به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در دو طرف اتحاد (۱) افزایش می‌یابد.
- ۳- بخشی از پس‌انداز خانوارها صرف سفته‌بازی در بازارهای مالی شود و در این بازارها سرگردان بماند. قطعاً این پولها مصرف نشده و لذا پس‌انداز محسوب می‌گردد. از طرفی به مخارج سرمایه‌گذاری نیز تبدیل نشده، زیرا به بازار کالا و سرمایه وارد نگردیده، اگر این احتمال تحقق یابد، با توجه به اینکه ما اتحاد ۱ را برای مقادیر اسمی نوشته‌ایم، طرف راست اتحاد مزبور با طرف چپ آن برابر نخواهد شد. و $(C+S)$ همواره به مقدار پولی که در بازارهای مالی سرگردان است بیشتر از $(C+I)$ می‌شود. به عبارت دیگر، این مطلب صحیح است که همه کالاهای تولید شده در اقتصاد یا مصرف می‌شود یا سرمایه‌گذاری می‌گردد (با لحاظ موجودی انبار، ولی همواره حجم پولی در گردش به مقدار پولی که در بازارهای مالی سرگردان است، بیش از ارزش کل کالاهای تولید شده در یک اقتصاد ربوی است).

اکنون ساختار نظام اقتصادی اسلام را مورد بررسی قرار داده، در یک مدل ساده یک بخشی اثبات می‌کنیم که برای برقراری اتحاد ۲ نیازی به فرض مزبور نیست، بلکه ماهیت حقوقی بازارهای مالی مشارکتی به گونه‌ای است که این فرض تأمین خواهد شد.

ساختار نظام اقتصادی اسلام و مدل چرخه درآمدی آن

همان‌گونه که گفته شد در اقتصاد اسلامی به دلیل ممنوعیت بهره، تجهیز و تخصیص منابع پولی به وسیله سیستم مشارکت صورت می‌گیرد. این سیستم می‌تواند در قالب بازارهای مالی مشارکتی که در آن اوراق مشارکت و سهام خرید و فروش می‌شود، سازماندهی گردد.

بر این اساس، ساختار نظام اقتصادی اسلام را با حذف بخش خارجی و دولت می‌توان به صورت زیر نشان داد:



نمودار ۲: چرخه درآمدی در نظام اقتصاد اسلامی

اثبات ساختار نظام اقتصاد اسلامی و چرخه درآمدی آن به صورت فوق، ادله‌ای دارد که در این مقال، مجال ذکر آن نیست، ولی اجمالاً این ساختار را از انواع عقود معاملی در فقه اسلام می‌توان استنباط کرد.

در این چرخه نیز خانوارها شامل همه افراد جامعه می‌شوند. خانوارها صاحبان عوامل تولید (نیروی کار، مدیریت و سرمایه فیزیکی) هستند. بازار عوامل در اقتصاد اسلامی از دو زیربازار تشکیل شده است: یکی بازار اجاره عوامل و دیگری بازار مشارکت عوامل. در بازار اجاره عوامل، عوامل تولید به بنگاهها اجاره داده می‌شوند و پاداش خود را به صورت دستمزد یا اجرت ثابت دریافت می‌کنند.

در بازار مشارکت عوامل، خانوارها عوامل تولید را از طریق عقود شرکت، صلح، جعاله و مساقات در اختیار بنگاهها قرار می‌دهند و پاداش خود را به صورت سهمی از سود تولید دریافت می‌کنند. مجموع درآمدها، همان درآمد ملی است که یا مصرف می‌شود یا پس‌انداز می‌گردد.

در بازارهای مالی مشارکتی، خانوارها، پول مازاد بر مصرف خود را از طریق خرید اوراق مشارکت که بر اساس عقود مشارکتی (شرکت، صلح و جعاله و...) وضع شده‌اند یا خرید اوراق سهام در سرمایه‌گذاری شرکت می‌دهند و پاداش آن را به صورت سهمی از سود فعالیت اقتصادی مربوط دریافت می‌کنند.

بنگاهها مؤسساتی هستند که به امر تولید می‌پردازند. آنها عوامل تولید را از یکی از دو بازار عوامل تهیه می‌کنند و پاداش آنها را به صورت اجرت ثابت یا سهمی از سود می‌پردازند. همچنین پول لازم برای سرمایه‌گذاری را از بازارهای مالی مشارکتی تأمین کرده، پاداش آن را به صورت سهمی از سود پرداخت می‌کنند. بنگاهها پول به دست آمده از بازارهای مالی مشارکتی را برای تأمین مخارج سرمایه‌گذاری از طریق بازار کالا و خدمات - که در آن کالاهای سرمایه‌ای نیز به فروش می‌رسد - به کار می‌برند.

باید توجه داشت که در نظام اقتصادی اسلام، ماهیت حقوقی سیستم مشارکت و بازارهای مالی مشارکتی به گونه‌ای است که بنگاهها قانوناً ملزم می‌گردند پول به دست آمده از طریق فروش اوراق مشارکت را سرمایه‌گذاری کنند؛ زیرا اوراق مشارکت بر

اساس عقودی چون مزارعه، مساقات، جعاله، صلح و شرکت احداث می شوند و حاصل این عقود، مشارکت دو طرف قرارداد در یک فعالیت اقتصادی است، به گونه‌ای که پاداش هر یک از دو طرف سهمی از سود آن فعالیت است.

بنابراین در نظام اقتصادی اسلام در مدل یک بخشی، همواره اتحاد زیر برقرار است:

$$C + S = GNP = C + I \quad \text{اتحاد (۳)}$$

$$S = I \quad \text{اتحاد (۴)}$$

و بر خلاف نظام سرمایه‌داری، نیاز نیست فرض کنیم که بنگاهها همه پول به دست آمده از بازارهای مالی را حتماً سرمایه‌گذاری می‌کند، زیرا این فرض در بطن ماهیت حقوقی بازارهای مالی نهفته است.

هیچیک از احتمالات سه گانه پیش گفته در اقتصاد اسلامی متصور نیست. هر کس که در بازارهای مالی مشارکتی، اوراق مشارکت می‌فروشد از نظر حقوقی ملزم است که پول به دست آمده از این طریق را به مصرف سرمایه‌گذاری برساند و نمی‌تواند آن را مصرف کند یا با آن بدهیهای گذشته خود را بپردازد.^(۱) ممکن است گفته شود که احتمال سوم در اقتصاد اسلامی نیز وجود دارد، زیرا می‌توان تصور کرد که در اقتصاد اسلامی در کنار بازارهای اولیه اوراق مشارکت، بازارهای ثانویه خلق شود که در آنها اوراق مشارکت خرید و فروش می‌شوند و از این طریق زمینه به وجود آمدن بورس‌بازی فراهم می‌گردد که در این صورت نیز بخشی از پول در جریان صرف بورس‌بازی شده، در این بازارها سرگردان می‌شود و نظیر اشکال وارد بر نظام سرمایه‌داری بر نظام اسلامی نیز وارد می‌گردد.

ولی این اشکال وارد نیست، زیرا بین بازارهای مالی ربوی در اقتصاد سرمایه‌داری و بازارهای مالی مشارکتی در اقتصاد اسلامی فرق عمده‌ای وجود دارد. متغیر اصلی در بازارهای مالی، نرخ بهره است که در بازار اوراق تعیین می‌شود و بر بخش واقعی اقتصاد اثر می‌گذارد. به علاوه به صورت مستقیم، تابعی از متغیرهای بخش واقعی اقتصاد نیست، بلکه تابع مستقیم متغیرهای پولی است و از این رو، نوسانات آن به سهولت و مکرراً در کوتاه مدت اتفاق می‌افتد و همین امر زمینه را برای سفته‌بازی فراهم می‌سازد.

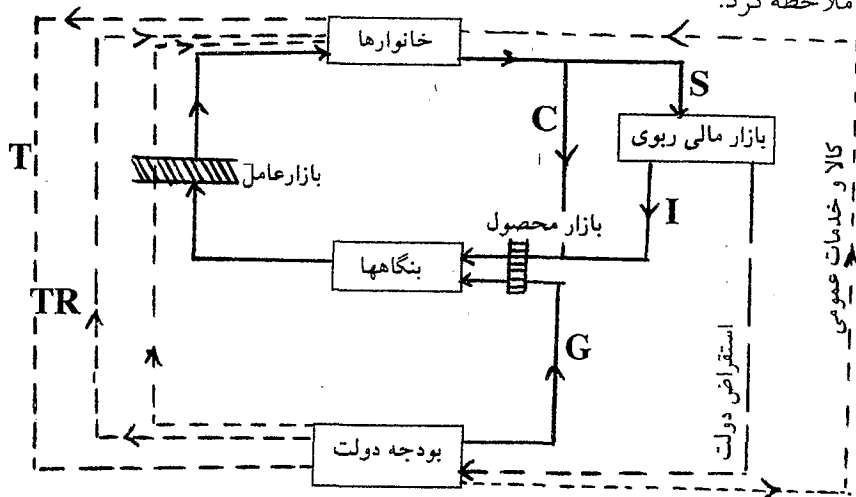
۱. البته اگر اوراق سهام را بفروشد چنین الزام حقوقی وجود ندارد ولی بحث ما درباره اوراق مشارکت است.

اما متغیر اصلی در بازارهای مالی مشارکتی نرخ سود اوراق مشارکت است که خود تابعی از نرخ سود سرمایه‌گذاری در بخش واقعی اقتصاد محسوب می‌گردد و لذا نوسانات آن تابع نوسانات متغیرهای بخش واقعی اقتصاد است. از این رو، نوسانات آن در بلندمدت و به کندی رخ می‌دهد و همین امر زمینه تحقق بورس‌بازی را از بین می‌برد. آثار این تفاوت مهم بین ساختار دو نظام وقتی بیشتر ظاهر می‌شود که دولت را وارد مدل کنیم. برای آنکه بتوانیم فقط آثار تفاوت دوم را در اتحاد GNP ببینیم، فرض می‌کنیم که دولت در هر دو نظام یک ماهیت دارد و ترکیب مخارج و درآمدهای آن در دو نظام مشابه است. همچنین فرض می‌کنیم با یک اقتصاد نوین سرمایه‌داری مواجهیم که به گفتهٔ ماسگریو یک اقتصاد مختلط است و در آن، نیروهای بخش عمومی و خصوصی به شکل کامل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند.^(۱)

ورود دولت در چرخهٔ درآمدی نظام نوین سرمایه‌داری

وابستگی متقابل بین بخش عمومی و خصوصی اقتصاد را می‌توان در نمودار زیر

ملاحظه کرد: (۲)



نمودار ۳: چرخهٔ درآمدی در الگوی دو بخشی

۱. ریچارد ا. ماسگریو، بگی ب. ماسگریو، مالیهٔ عمومی در تئوری و عمل، مترجمان، مسعود محمدی، یدالله ابراهیمی فر، ج ۱، ص ۴.
 ۲. همان، ج ۱، ص ۲۶.

در این الگو، دولت از خانوارها مالیات می‌گیرد (T) سپس بخشی از آن را به صورت پرداختهای انتقالی (TR) به آنها برمی‌گرداند؛ بخشی دیگر را در بازار عامل، صرف اجاره عوامل برای تولید کالا و خدمات عمومی می‌کند؛ بخشی دیگر را در بازار محصول خرج می‌نماید (G). حال اگر کل مخارج دولت (TR, G) و آنچه در بازار عامل خرج می‌کند بیش از درآمدهایش (T) باشد، دولت با کسری بودجه مواجه می‌شود. در این الگو، فرض شده که دولت کسری بودجه خود را با فروش اوراق قرضه (استقراض) تأمین می‌کند.

بر اساس الگوی دو بخشی که در نمودار ۳ نشان داده شده است اتحاد GNP به صورت زیر نوشته می‌شود:

$$C + I + G = GNP = C + S + T \quad (۵)$$

برای سهولت، تفاوت بین تولید ناخالص ملی (GNP) و درآمد ملی (Y) نادیده گرفته می‌شود.

طرف چپ این اتحاد، GNP را از طریق مخارج انجام شده روی تولید نهایی اندازه می‌گیرد. در اینجا C مخارج مصرف‌کننده، I مخارج سرمایه‌گذاری شده روی کارخانه‌ها، تجهیزات، موجودی انبار و ساختمانهای مسکونی، و G خریدهای کل دولت از کالا و خدمات است.

طرف راست این اتحاد، GNP را از طریق راههای مصرف درآمد به دست آمده از جریان تولید اندازه‌گیری می‌کند. در اینجا باز C بیانگر مخارج مصرف‌کننده، S پس‌انداز کل و T خالص پرداختهای مالیاتی است.

اگر مخارج مصرف‌کننده را از هر دو طرف اتحاد ۵ حذف کنیم، اتحاد سرمایه‌گذاری و پس‌انداز به دست می‌آید:

$$I + G = S + T \quad (۶)$$

با نگاه داشتن S در یک طرف و انتقال T به سمت چپ، به اتحاد زیر می‌رسیم:

$$S = I + (G - T) \quad (۷)$$

این اتحاد نشانگر آن است که بخشی از پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، و بخش دیگر آن

صرف کسری بودجه دولت می شود.

اکنون لازم است اجزای مخارج دولت را با دقت بیشتر مورد ملاحظه قرار دهیم. از آنجا که اقتصاد نوین سرمایه داری را بررسی کرده ایم، ایالات متحده آمریکا را به عنوان بهترین مصداق برای چنین اقتصادی در نظر می گیریم.

ماسگریو کل مخارج دولت ایالات متحده آمریکا را در سال مالی ۱۹۷۵-۱۹۷۶، ۶۰۶/۶ میلیارد دلار نقل می کند که از این مقدار فقط ۶۴ میلیارد دلار صرف توسعه منابع طبیعی و کشاورزی، راه و ترابری، خدمات پستی و پژوهشهای فضایی و تکنولوژیک می گردد.^(۱) در سال ۱۹۷۷ کل سرمایه گذاری عمومی به معنای محدود آن (ساختمان و تجهیزات) معادل ۶۲ میلیارد دلار، یا ۱۶ درصد کل خریدهای دولتی بوده است.^(۲) بدین ترتیب می توان گفت که مخارج دولت از دو جزء مخارج مصرفی (G_c) و مخارج سرمایه ای (G_i) تشکیل شده است:

$$G = G_c + G_i \quad \text{اتحاد (۸)}$$

اتحاد شماره ۷ با جایگزینی اتحاد ۸ در آن، به صورت زیر درمی آید:

$$S = I + G_i + (G_c - T) \quad \text{اتحاد (۹)}$$

با انتقال $(G_c - T)$ به سمت چپ اتحاد ۹ چنین می شود:^(۳)

$$S + (T - G_c) = I + G_i \quad \text{اتحاد (۱۰)}$$

که در آن $S + (T - G_c)$ پس انداز بخش خصوصی، $(T - G_c)$ پس انداز دولتی، I سرمایه گذاری بخش خصوصی و G_i سرمایه گذاری بخش دولتی است. اگر دولت با کسری بودجه مواجه شود، یعنی $G > T$ باشد، فرض بر آن است که اوراق قرضه دولتی را در بازارهای مالی می فروشد و در حقیقت با استقراض از بخش خصوصی، کسری بودجه خود را تأمین می کند. ولی در نظام سرمایه داری، این استقراض او را ملزم نمی کند

۲. همان، ص ۸۹۵.

۱. همان، ج ۱، ص ۳۳.

۳. همان، ج ۲، صص ۸۹۰-۸۹۱.

که پول بدست آمده را در G_1 خرج کند، بلکه دولت، مختار است که G_1 را از مالیاتها تأمین کند و استقراض را در G_2 به صرف برساند. برای آنکه مطلب واضح تر شود، حالتی را فرض کنید که G_2 بزرگتر از T است. در این صورت بخشی از پولی که استقراض شده صرف مخارج مصرفی دولت می شود.

قبل از ورود دولت به چرخه اقتصادی، کل پولی که به وسیله بخش خصوصی پس انداز می شد به سرمایه گذاری تبدیل می گردید؛ اما اکنون که دولت به چرخه اقتصادی وارد شده و مالیات دریافت می کند، مصرف و پس انداز بخش خصوصی کاهش می یابد. از سوی دیگر، دولت به وسیله استقراض، بخشی از پس اندازهای بخش خصوصی را در اختیار می گیرد و خودش پولهای به دست آمده از این طریق را مصرف یا سرمایه گذاری می کند. در نهایت رفتار دولت در صورتی به رشد و توسعه کشور می انجامد که اولاً میل نهایی به مصرف بخش دولتی $(\frac{G}{T})$ کوچکتر از میل نهایی به مصرف بخش خصوصی $(\frac{C}{Y})$ باشد و ثانیاً دولت همه پولی را که به وسیله استقراض از پس انداز بخش خصوصی برداشت می کند، سرمایه گذاری کند.

افزون بر این، استقراض از منظر عدالت بین نسلهای نیز قابل بررسی است. (۱) تأمین کسری از طریق استقراض سرمایه گذاری را کاهش می دهد. ماسگریو در این باره می گوید:

«این فرض منطقی به نظر می رسد که مالیاتها عمدتاً از مصرف خصوصی و تأمین مالی از طریق وام وسیعاً از پس انداز تغذیه می شود. به همین لحاظ، تأمین مالی از طریق مالیات - اعم از آنکه مخارج عمومی برای اقلام مصرفی یا سرمایه ای باشد - از تأمین مالی از طریق وام برای رشد اقتصادی به مراتب مناسبتر است.» (۲)

در جای دیگر، ماسگریو از این مطلب چنین نتیجه می گیرد که اگر دولت از طریق استقراض تأمین مالی می کند:

«نسلهای آینده از سهم سرمایه کمتری برخوردار خواهند شد و به همین دلیل، درآمد

کمتری خواهند داشت»^(۱).

البته این بحث (عدالت بین نسلها) جوانب مختلف دارد و بسیار پیچیده و دقیق است و به راحتی نمی‌توان بین تأمین کسری بودجه از طریق مالیات یا استقراض از جنبه عدالت بین نسلها قضاوت کرد، ولی این نکته را می‌توان ابراز داشت که اگر دولت پولهایی را که از پس‌انداز مردم به وسیله استقراض جذب می‌کند برای مخارج سرمایه‌گذاری به صرف برساند، هم به رشد اقتصادی کمک می‌کند و هم این رفتار دولت از لحاظ عدالت بین نسلها موجه‌تر است.

ولی متأسفانه ساختار نظام نوین سرمایه‌داری چنین چیزی را تضمین نمی‌کند. اما در نظام اقتصادی اسلام همان‌گونه که گذشت، ماهیت حقوقی بازارهای مالی مشارکتی به گونه‌ای است که به دولت اجازه استفاده از پس‌اندازهای مردم را فقط در مورد فعالیتهای سودآور می‌دهد و دولت نمی‌تواند از این پس‌اندازها برای تأمین مخارج مصرفی خود استفاده کند.

در بحث بعدی ما به جای بازارهای مالی ربوی، بازارهای مالی مشارکتی را که در آن اوراق مشارکت و سهام خرید و فروش می‌شود، قرار می‌دهیم و نتایج را با شرح و بسط بیشتر بررسی می‌کنیم.

آثار جان‌شینی بازارهای مشارکتی در چرخه درآمدی و اتحاد GNP

اگر در نمودار ۳ به جای بازار مالی ربوی، بازار مالی مشارکتی را قرار دهیم چه تغییری ایجاد می‌شود؟

همان‌گونه که گفته شد در بازار مالی مشارکتی، اوراق سهام و اوراق مشارکت خرید و فروش می‌شوند و در حقیقت، بنگاهها و دولت می‌توانند با فروش این اوراق، پس‌انداز خانوارها را جذب کرده، در فعالیتهای اقتصادی سرمایه‌گذاری کنند. برای سهولت تحلیل و امکان مقایسه با حالت قبل، فرض می‌کنیم که اوراق سهام در این بازار خرید و فروش نمی‌شوند و پس‌اندازها فقط از طریق فروش اوراق مشارکت به بنگاهها و دولت

منتقل می‌گردند. البته حتی اگر چنین فرض نکنیم باز هم نتایج عوض نمی‌شود، بلکه فقط تحلیل نتایج پیچیده‌تر می‌گردد. با این فرض، بنگاهها برای توسعه فعالیت‌های خود یا سرمایه‌گذارهای جدید باید اوراق مشارکت بفروشند و ملتزم شوند که پول خریداران را در یک فعالیت اقتصادی سودآور به کار برند و سهمی از سود را به صاحبان اوراق بدهند. همچنین دولت می‌تواند فقط برخی از فعالیت‌های عمرانی خود را که سودآورند به وسیله فروش اوراق مشارکت از طریق این بازارها تأمین مالی کند. بنابراین فقط بخشی از بودجه عمرانی دولت را می‌توان از این طریق تأمین کرد و بخش دیگر که عمدتاً مربوط به مخارج مصرفی است باید از طریق مالیات تأمین شود. اگر فرض کنیم همه مخارج سرمایه‌گذاری دولت قابلیت تأمین از این طریق را دارد، در این صورت در چرخه درآمدی همواره پس‌اندازها برابر با مجموع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی می‌شود، یعنی:

$$S = I + G_i$$

و مالیات‌هایی که دولت از مردم می‌گیرد با مخارج مصرفی او همواره برابر می‌شود،^(۱)

یعنی:

$$T - G_c = 0 \quad \text{یا} \quad T = G_c$$

البته در فرض وجود بازارهای مالی ربوی نیز ممکن است به وسیله نهادهای قانونگذاری، قانونی به این مضمون وضع شود که دولت باید وجوهی را که از بازارهای مالی استقراض می‌کند، برای تأمین مخارج سرمایه‌گذاری خود به کار برد؛ ولی از نظر کارکرد هماهنگ و سامانمند یک نظام اقتصادی، تفاوت بسیاری بین کارکرد نظام اقتصادی مشتمل بر بازارهای مالی ربوی به ضمیمه این قانون، و کارکرد نظام اقتصادی که مستشکل از بازار مالی مشارکتی است، وجود دارد. در حالت اول در حقیقت می‌خواهیم نقص سیستم مالی را با یک قانون ترمیم کنیم، ولی در حالت دوم، ماهیت حقوقی سیستم مالی به گونه‌ای است که این نقص از ابتدا وجود ندارد.

۱. البته دو راه دیگر برای کسری بودجه دولت وجود دارد یکی انتشار پول (استقراض از بانک مرکزی) که موجب تورم می‌شود و دیگری استقراض از خارج. در این تحلیل فرض شده که این دو راه مسدود است.

در خاتمه این بحث، متذکر می‌شوم که ترکیب درآمدها و مخارج دولت و کیفیت تخصیص درآمدها به مخارج در نظام اقتصادی اسلام با این ترکیب در نظام سرمایه‌داری متفاوت است. یکی از اقلام درآمدی دولت اسلامی، درآمدهای حاصل از انفال است و مالیاتها نیز به دو نوع شرعی (خمس و زکات و ...) و حکومتی تقسیم می‌شوند. برای هر یک از این اقلام درآمدی محدودیتهایی در خرج وجود دارد. این تفاوتها می‌تواند منشأ تغییرات به مراتب بیشتر در معادلات و تحلیلهای کلان اقتصادی شود.

ورود بخش خارجی در مدل

اگر بخش خارجی را وارد مدل کنیم، مسأله پیچیده‌تر و تحلیل مشکلتر می‌شود. در اقتصاد سرمایه‌داری، مازاد تراز تجاری موجب جریان سرمایه به خارج و افزایش مطالبات از خارجیان می‌گردد و این امر از طریق استقراض خارجیان از بازارهای مالی ربوی صورت می‌پذیرد. همچنین کسری تجاری، موجب جریان سرمایه به داخل و افزایش بدهی به خارجیان می‌شود که این جریان نیز از طریق استقراض در بازارهای مالی ربوی انجام می‌شود.

در الگوی سه بخشی، اتحاد پس‌انداز - سرمایه‌گذاری به صورت زیر است:

$$S = I + (G-T) + (X-M) \quad \text{اتحاد (۱۱)}$$

مازاد تراز تجاری به این معنا است که بخشی از پس‌اندازها از طریق بازارهای مالی ربوی به خارج منتقل می‌شوند و کسری تراز مزبور به معنای افزایش مطالبات خارجیان از داخل است. وقتی بازارهای مالی ربوی به بازارهای مالی مشارکتی تبدیل شوند، این سؤال مطرح می‌گردد که چگونه مازاد و کسری تراز تجاری را باید تحلیل کرد و آیا این امر تغییری در اتحاد درآمد ملی ایجاد خواهد کرد؟

اگر بخواهیم نتایجی را که با جانشین کردن بازارهای مالی مشارکتی در الگوی دو بخشی به دست آوریم، در الگوی سه بخشی تولید و درآمد ملی وارد سازیم باید اتحاد ۱۱ را به صورت زیر بازنویسی کنیم:

$$S = I + G_i + (G_e - T) + (X - M) \quad \text{اتحاد (۱۲)}$$

و با توجه به اینکه $G_c - T = 0$ است، اتحاد ۱۲ به صورت زیر درمی آید:

$$S = I + G_c + (X - M) \quad \text{اتحاد (۱۳)}$$

اتحاد ۱۳ به این معنا است که کل پس اندازها به سه بخش تقسیم می شود که بخشی به سرمایه گذاری خصوصی و بخشی به سرمایه گذاری دولتی تبدیل شده است. انتقال پس اندازها به بنگاهها و دولت از طریق فروش اوراق مشارکت در بازارهای مالی مشارکتی صورت می گیرد. بخش سوم از پس اندازها (در صورتی که صادرات بیش از واردات باشد) تبدیل به مطالبات از خارجیان می شود. ساز و کار این انتقال با فرض فقدان بازارهای مالی ربوی و وجود بازارهای مالی مشارکتی چیست؟ پاسخ به این سؤال نیاز به تأمل و تحقیق بیشتر دارد و لذا پاسخ آن را به عهده محققان این رشته می گذاریم.

تأثیر ساختار نظام اقتصادی بر تابع سرمایه گذاری و پس انداز

در اقتصاد سرمایه داری متغیر اصلی بازارهای مالی ربوی، نرخ بهره است. سرمایه گذار به نرخ بهره به عنوان هزینه تأمین وجوه لازم برای سرمایه گذاری یا هزینه فرصت وجوهی که در اختیار دارد می نگرد. لذا وقتی نرخ بهره افزایش یابد، هزینه سرمایه گذاری افزایش یافته و با فرض ثبات سایر شرایط، سرمایه گذاری کاهش می یابد. در نتیجه، سرمایه گذاری، تابعی معکوس از نرخ بهره است، یعنی:

$$i = i(r) \quad \partial i / \partial r < 0$$

نرخ بهره بر اساس نظر کینز در بازارهای مالی به وسیله عرضه و تقاضای اوراق تعیین می شود و بر تقاضای سرمایه گذاری اثر می گذارد و لذا یک متغیر مستقل محسوب می شود.

از سوی دیگر، نرخ بهره، هزینه فرصت نگهداری پول است و برای پس اندازکنندگانی که پول خود را به بازارهای مالی وارد می کنند و اوراق قرضه می خرند، درآمد محسوب می شود. لذا انتظار آن است که وقتی نرخ بهره افزایش می یابد، تقاضای اوراق قرضه به وسیله پس اندازکنندگان افزایش یابد. در حقیقت می توان به صورت

منطقی و در مقام تحلیل نظری - نه مطالعه تجربی - نتیجه گرفت که پس انداز، تابعی مستقیم از نرخ بهره است: (۱)

$$S = S(r) \quad \partial_s / \partial_r > 0$$

اما متغیر اصلی بازار مالی مشارکتی در اقتصاد اسلامی نرخ سود اوراق مشارکت است که خود تابعی مستقیم از نرخ سود سرمایه گذاری است. سرمایه گذاری کل در چنین اقتصادی می تواند تابعی مستقیم از درآمد ملی حقیقی (Y) و نرخ بازده سرمایه گذاری (r) باشد و به صورت زیر نشان داده می شود:

$$i = i(y, r) \quad \frac{\partial i}{\partial y} > 0 \quad \text{و} \quad \partial_i / \partial_r > 0$$

همچنین پس انداز کل در چنین اقتصادی می تواند تابعی از درآمد قابل تصرف (Y_d) و قیمت اوراق مشارکت (P_b) و نرخ سود این اوراق (π_b) باشد:

$$S = S(Y_d, \pi_b, P_b)$$

$$\partial_s / \partial_{Y_d} > 0, \quad \frac{\partial_s}{\partial \pi_b} > 0, \quad \frac{\partial_s}{\partial P_b} < 0$$

با فرض اینکه:

$$Y_d = Y - t(y) \quad \frac{\partial Y_d}{\partial t} < 0$$

و

$$\pi_b = \pi b(r) \quad \frac{\partial \pi b}{\partial r} > 0$$

تابع پس انداز به صورت زیر خواهد شد:

$$S = S(y, t, r, P_b)$$

$$\frac{\partial_s}{\partial y} > 0 \quad \frac{\partial_s}{\partial t} > 0 \quad \frac{\partial_s}{\partial r} > 0 \quad \frac{\partial_s}{\partial P_b} < 0$$

۱. البته اگر این توجیه را بپذیریم که مردم ابتدا در مورد سطح مصرف (C) بر اساس درآمد قابل تصرف خود (Y_d) تصمیم می گیرند و مازاد آنرا پس انداز می نمایند، در این صورت حساسیت تابع پس انداز نسبت به نرخ بهره خیلی کم خواهد بود. شاید به همین دلیل تابع پس انداز در اقتصاد کلان به صورت زیر نشان داده می شود:

$$s = s(y-t, y)$$

$$\frac{\partial_s}{\partial y} > 0; \quad \frac{\partial_s}{\partial t} < 0$$

که در آن درآمد ملی و نرخ مالیات و i.y کل درآمد مالیاتی (T) و (Y-t.y) درآمد قابل تصرف اشخاص (Y_d) است.

بر این اساس، وقتی بازده سرمایه‌گذاری افزایش یابد، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز هر دو افزایش خواهند یافت. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، نتایج بسیار متفاوت است. با حذف بازار اوراق اعتباری و در نتیجه، نرخ بهره از اقتصاد و جانشینی بازار اوراق مشارکت، تابع رفتار پس‌انداز کننده و سرمایه‌گذار دگرگون می‌شود. همچنین تابع عرضه و تقاضای پول باید مجدداً بررسی شود. با حذف نرخ بهره و بازار اوراق قرضه، قطعاً این توابع شکل دیگری پیدا می‌کنند و به تبع این تغییرات، مدلها و تحلیلهایی که بر اساس آنها می‌شود نیز تغییر خواهند کرد. تحلیلهای اقتصاد کلان که بر اساس ساختار نظام اقتصاد ربوی است، به کار تحلیل اقتصاد مشارکتی نمی‌آید. به خاطر وجود بازارهای اوراق قرضه در اقتصاد، انگیزه سفته‌بازی در افراد وجود دارد و به همین دلیل برای اقتصاد و بازار مستقل از هم فرض چنین می‌شود که بر یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارند، یکی بازار محصول و دیگری بازار پول، و نرخ بهره متغیری است که این دو بازار را به هم پیوند داده، تغییراتش موجب تعادل هر دو بازار می‌گردد.

وقتی بازار اوراق قرضه، نرخ بهره و انگیزه تقاضای سفته‌بازی پول را از اقتصاد حذف کنیم و به جای آن، بازار اوراق مشارکت، نرخ سود اوراق و انگیزه تقاضای پول به منظور استفاده از فرصتهای سودآور در بازارها را بگذاریم، چگونه باید تغییرات در اقتصاد را تحلیل کنیم وقتی در یک اقتصاد مشارکتی، عرضه پول یا قیمت‌ها یا مالیات یا مخارج دولت افزایش یابد چه تغییراتی روی خواهد داد و چگونه؟ مسماً پاسخ به سؤالاتی از این قبیل، تدوین کتاب اقتصاد کلان جدیدی را می‌طلبد.

خلاصه و نتیجه

هدف در این مقاله کوتاه آن بود که نشان دهیم چگونه تغییر ساختار نظام اقتصادی در معاملات تعریفی و رفتاری و تحلیلهای اقتصاد کلان اثر می‌گذارد. در این خصوص به دو اختلاف ساختاری بین نظام اقتصادی اسلام و سرمایه‌داری اشاره کردیم:

- ۱- تفاوت در جایگاه، اهداف، وظایف و ترکیب درآمدها و هزینه‌های دولت
- ۲- تفاوت در بازارهای مالی.

آنگاه با چشم‌پوشی از تفاوت اول نشان دادیم که چگونه تفاوت دوم موجب تغییر در اتحاد درآمد ملی و تابع سرمایه‌گذاری و پس‌انداز می‌شود و در این راستا برخی نتایج را بازگو کردیم.

نگارنده به امید آنکه این مقاله بتواند ذهن اهل فن و متخصصان اقتصاد اسلامی را به این مطلب جلب کند و این مقاله، انگیزه و دستمایه‌ای برای تحقیقات عمیق در آینده باشد، آن را نگاشته است. اگر هر دو تفاوت پیشین را در نظر بگیریم با سؤالات جدی زیادی مواجهیم که باید به آنها پاسخ بگوییم. برای نمونه به برخی از این سؤالات اشاره می‌شود:

- ۱- در این صورت، اجزای درآمد و تولید ملی چیست؟
- ۲- ترکیب بودجه دولت چگونه است؟
- ۳- شرط تعادل عرضه کل تولید و تقاضای پول کدام است؟
- ۴- شرط تعادل عرضه و تقاضای پول کدام است؟
- ۵- توابع رفتاری در اقتصاد اسلامی به چه شکل در می‌آیند؟ برای نمونه تابع مصرف و سرمایه‌گذاری و عرضه و تقاضای پول تابع چه متغیرهایی است؟
- ۶- به طور کلی، متغیرهای مستقل در بازار عوامل و کالا و خدمات و بازار مالی شراکتی کدامند؟ و این متغیرها چه تأثیری بر اجزای تقاضای کل اقتصاد دارند؟
- ۷- ضرایب فزاینده به چه شکل محاسبه می‌شوند؟

پاسخ به سؤالاتی از این قبیل و تدوین اقتصاد کلان اسلامی، نه فقط متون اقتصاد اسلامی را غنی‌تر می‌کند، بلکه آثار فراوان راهبردی و کاربردی برای مسئولان نظام جمهوری اسلامی در بر دارد، زیرا ساختار نظام اقتصادی حاکم بر ایران شباهتهای زیادی به ساختار نظام اقتصادی اسلام دارد. برای مثال، بهره و بازارهای مالی به گونه‌ای که در غرب وجود دارد در ایران نیست. گرچه بازارهای مالی که بر اساس مشارکت طرح‌ریزی شده باشند هنوز در ایران فراگیر و فعال نشده‌اند، ولی بانکداری اسلامی بر اساس حذف ربا و مشارکت در سرمایه‌گذاری بناگشته است.

اهداف و وظایف دولت در قانون اساسی بر اساس دستورات اسلام تعیین گشته و

ترکیب درآمدها و هزینه‌های دولت نیز بسیار متفاوت از این ترکیب در اقتصاد غرب است و تا حدود زیادی برخاسته از دستورات اسلام است. بر این اساس، تحلیل اقتصاد ایران بر اساس الگوهای برخاسته از اقتصاد کلان غرب اشتباه به نظر می‌رسد. برای آنکه بتوانیم تحلیل درستی دربارهٔ وقایع اقتصادی ایران ارائه دهیم و پیش‌بینیهای نزدیک به واقع بکنیم فقط آمار و اطلاعات کافی نیست، بلکه باید ساختار اقتصاد ایران را به خوبی درک کرده، تفاوت‌های آن را با ساختار اقتصاد سرمایه‌داری تشخیص دهیم و سپس معادلات تعریفی و رفتاری کلان را بازنویسی کنیم. همچنین باید متغیرهای مستقل را در بازارها تشخیص داده، نحوه تأثیر این متغیرها را بر مصرف، سرمایه‌گذاری و رفتارهای دیگر اقتصادی در ضمن الگوهایی تبیین کنیم. تا بتوانیم با استفاده از آمارهای موجود به یک تحلیل علمی درست دست یابیم.

فهرست منابع و مآخذ

الف - منابع فارسی

- ۱- برنسون، اچ؛ اقتصاد کلان، ترجمه عباس شاکری، جلد ۱، چاپ دوم، نشر نی، ۱۳۷۴.
- ۲- تفضلی، فریدون؛ اقتصاد کلان، چاپ دهم، نشر نی، ۱۳۷۶.
- ۳- تیلور، لارنس؛ مدلهای کلان برای کشورهای در حال توسعه؛ ترجمه اسرافیل کسرائی؛ چاپ اول، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی؛ ۱۳۷۴.
- ۴- چرچمن، چارلز وست؛ نظریه سیستم‌ها؛ ترجمه رشید اصلانی؛ چاپ دوم، نشر مرکز مدیریت دولتی، ۱۳۶۹.
- ۵- روزبهان، محمود؛ تئوری اقتصاد کلان؛ چاپ چهاردهم؛ انتشارات تابان، ۱۳۷۷.

ب - منابع انگلیسی

- 1- Economic systems analysis and comparison.
- 2- Voclav Holesovsky, Mcgraw - Hill, I nc, 1977.

کتابهای منتشر شده پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

| نام کتاب | نویسنده | قیمت |
|---|---|------------|
| ۱. مسایل اقتصاد خرد و جوابها | دیوید. م. وینچ | ۴۴۵ تومان |
| ۲. اقتصاد بخش عمومی (مالیاتها) | مؤلف: دکتر جمشید پژویان | ۳۹۰ تومان |
| ۳. مجموعه تستهای اقتصاد کلان | تهیه، ترجمه و تدوین: دکتر سیدمنصور خلیلی عراقی، تیمور رحمانی و دکتر سهیلا پروین | ۳۵۰ تومان |
| ۴. اقتصاد خرد (جلد اول) | مؤلف: دکتر پرویز داودی | ۸۵۰ تومان |
| ۵. علم اقتصاد و بحران در اقتصاد ایران | مؤلف: فرشاد مؤمنی | ۳۰۰ تومان |
| ۶. تاریخ عقاید و اندیشه‌های اقتصادی | نویسنده: ده استاد اقتصاد آلمان مترجم: دکتر هادی صمدی | ۷۰۰ تومان |
| ۷. تجارت و توسعه | مؤلفین: دکتر مرتضی قره‌باغیان و دکتر مرتضی اسدی | ۷۰۰ تومان |
| ۸. کالبدشناسی یک برنامه توسعه | مؤلف: فرشاد مؤمنی | ۳۵۰ تومان |
| ۹. مباحثی در اقتصاد خرد - نگرش اسلامی | نویسندگان: سیزده اندیشمند و اقتصاددان مسلمان مترجم: دکتر حسین صادقی | ۱۲۵۰ تومان |
| ۱۰. اقتصاد تولید کشاورزی | نویسنده: دیوید دبرتین مترجم: دکتر محمدقلی موسی نژاد و دکتر رضا نجارزاده | ۱۱۰۰ تومان |
| ۱۱. روش تحقیق در علوم اجتماعی: کاربرد در زمینه مسایل اقتصادی | مؤلف: مرتضی عزّتی | ۷۵۰ تومان |
| ۱۲. نگرشی بر اقتصاد اسلامی: معرفتها، ارزشها و روشها | مؤلف: دکتر یداله دادگر کرماجانی | ۱۱۰۰ تومان |

۱۳. اقتصاد نظری و کاربردی نفت
مؤلف: دکتر مجید احمدیان ۱۵۰۰ تومان
۱۴. خلاصه مقالات سومین همایش
ملی بررسی پدیده قاچاق کالا و
راههای پیشگیری از آن
مؤلف: جمعی از نویسندگان
۱۵. خلاصه مقالات اولین همایش
دو سالانه اقتصاد اسلامی
مؤلف: جمعی از نویسندگان
۱۶. خلاصه مقالات دومین کنگره
بررسی اندیشه‌های اقتصادی
حضرت امام خمینی (س)
مؤلف: جمعی از نویسندگان
۱۷. خلاصه مقالات اولین همایش دو
سالانه اقتصاد ایران «چالشهای
اساسی اقتصاد ایران در دهه ۱۳۸۰»
مؤلف: جمعی از نویسندگان
۱۸. مجموعه مقالات سومین همایش ملی
بررسی پدیده قاچاق کالا و راههای
پیشگیری از آن
مؤلف: جمعی از نویسندگان
۱۹. مجموعه مقالات دومین کنگره اندیشه‌های
اقتصادی حضرت امام خمینی (س)
مؤلف: جمعی از نویسندگان

۲۰۹۹۳